

پیش‌نیازها و موانع تحقق توسعه علوم انسانی میان‌رشته‌ای

غلامحسین خورشیدی^۱

شیوا پیشگاهی^۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۱/۳/۱۶

چکیده

توسعه علوم میان‌رشته‌ای، مسأله‌ای چند بعدی است. از این رو، پرداختن به ساز و کارها، ظرفیت‌ها، و موانع تحقق توسعه این علوم در ایران کار پیچیده‌ای است. در این رابطه نمی‌توان به کلی‌گویی کرد و تنها به ذکر عناوینی بسنده نمود زیرا همه آنچه در این رابطه مطرح است برای همه حوزه‌های علم مشترک نمی‌باشد و حتی در یک حوزه خاص هم گرچه مشترکات فزونی می‌گیرند ولی مورد به مورد تفاوت‌ها نیز رخ می‌نمایند. این پیچیدگی‌ها آنگاه که میان‌رشته‌ها حاصل ازدواج دو یا چند حوزه متفاوت باشند، عمق و وسعت بیشتری می‌یابند. در این مقاله کوشیده‌ایم تا موضوع را تنها در حوزه علوم انسانی مورد بررسی قرار دهیم. اصطلاح میان‌رشته‌ای اغلب، با مسامحه به کار می‌رود و معمولاً، همراه با واژه‌های مشابه، از جمله چندرشته‌گرایی و فرارشته‌گرایی، استفاده یا جایگزین آنها می‌شود که در این مقاله تلاش ما پرهیختن از این مسامحه نیز می‌باشد. چندین دهه است که در محیط دانشگاهی جهانی رشته‌مداری حاکم شده است که تأکید فزاینده‌ای بر تخصص و مزایای آن دارد و تنها به متخصصان یا صاحب‌نظران یک رشته خاص اجازه داده می‌شود به پژوهش و ارائه نظریه در آن رشته بپردازند. در سال‌های اخیر، به دلیل پیچیدگی جوامع و گستردگی و تنوع مسائل، ناکارآمدی این شیوه بیش از پیش آشکار شده است و این امر مهم‌ترین پایه رواج مطالعات بین‌رشته‌ای به حساب می‌آید؛ البته درک عمیق‌تر موضوعات و شناخت بیشتر و کامل‌تر پدیده‌ها نیز انگیزه دیگر رواج این نوع تحقیقات می‌باشد. منظور از مطالعات بین‌رشته‌ای، فرایند درگیر شدن رشته‌های مختلف علمی در پاسخ‌گویی به یک سؤال، حل یک مسأله یا طرح موضوعی

۱. عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی / com.yahoo@ghhofin

۲. کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی (شرکت گلستان) / sh.pishgahi@gmail.com

است که به علت پیچیدگی و وسعت زیاد آن قابل بررسی با استفاده از یک رشته واحد نیست. در مطالعات میان‌رشته‌ای کارآمد از هر رشته علمی به‌عنوان یک منبع معتبر اطلاعاتی به تناسب استفاده می‌شود و این در واقع نوعی رویکرد ماتریسی در سامانه بهره‌برداری از دانش‌های متنوع بشری است؛ بنابراین، چنین مطالعاتی، نه تنها با ترکیب اطلاعات به دانش جدیدی دست می‌یابند، بلکه درک کامل‌تری از تشابهات و تمایزات بین رشته‌ها نیز ایجاد می‌کنند. تفاوت در مفروضات، دیدگاه‌ها، روش‌ها، زبان و اصطلاحات فنی هر رشته و موانع شناختی دیگر در انسان‌ها از جمله مشکلاتی هستند که استفاده از مطالعات میان‌رشته‌ای را محدود می‌سازند. در این مقاله، ابتدا به اهمیت و ضرورت گسترش تحقیقات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی و دانشگاه‌ها اشاره می‌شود، پس از آن به مفهوم تحقیقات میان‌رشته‌ای و شرایط انجام آن پرداخته می‌شود. موانع انجام این‌گونه تحقیقات و راه‌های غلبه بر این موانع مطرح خواهند شد.

کلیدواژه‌ها: توسعه علوم انسانی، میان‌رشته‌ای، پیش‌نیازها و موانع



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

کمتر موضوعی همانند علوم میان‌رشته‌ای و توسعه آن در چند سال اخیر توانسته مورد توجه محافل علمی و محیط‌های کاری قرار گیرد. رویکرد میان‌رشته‌ای ما را از دیواربست‌های رشته‌ای خارج می‌کند و چشممان را به دنیاهای دیگری می‌گشاید. محقق با ایجاد پیوند میان رشته‌های گوناگون و پل زدن میان چند رشته می‌تواند به کشف نهفته‌های بسیار پردازد و به راهکارهای مناسبی برای دستیابی به حل مسائل پیچیده و چندبعدی دست یابد.

مطالعات بین‌رشته‌ای، فرایند درگیر شدن رشته‌های مختلف علمی در پاسخ‌گویی به یک سؤال، حل یک مسأله یا طرح یک موضوعی است که به‌علت پیچیدگی و وسعت زیاد آن قابل طرح و بررسی با استفاده از یک رشته واحد نیست. در مطالعات میان‌رشته‌ای کارآمد از هر رشته علمی به‌عنوان یک منبع معتبر اطلاعاتی به تناسب استفاده می‌شود؛ بنابراین، چنین مطالعاتی، نه تنها با ترکیب اطلاعات به دانش جدیدی دست می‌یابند، بلکه درک کامل‌تری از تشابهات و تمایزات بین رشته‌ها نیز ایجاد می‌کنند. مطالعات میان‌رشته‌ای، حرکتی برخلاف فرهنگ موجود دانشگاهی است. ویژگی یک رشته دانشگاهی «استقلال و تمایز»، «تنظیم مرز»، «ایجاد مجموعه‌ای از دانش» و «معین کردن آموزش خاص و تعیین شاخص برای آن» است که از طریق «نهادهای انجمن‌های علمی خاص در هر حوزه» حمایت و تقویت می‌شود (فولاد چنگی و سامانی، ۱۳۸۷).

تحلیل میان‌رشته‌ای مستلزم یکپارچه‌سازی دانش حاصل از رشته‌های مختلف علمی در مورد موضوع است. ابعاد مختلف چندرشته به گونه‌ای ترکیب می‌شوند که درک حاصل بزرگتر از مجموع اجزا باشد. البته تمرکز بر یکپارچه سازی نباید بدین معنا انگاشته شود که یک تحلیل میان‌رشته‌ای همیشه به یک راه حل قطعی و مستحکم ختم می‌شود که در آن تمام تعارضات بین رشته‌های مختلف حل شده است. می‌توان میان‌رشته‌ای را نوعی سازمان دهی فعالیت‌های آموزشی دانست که چند درس حول یک موضوع مطالعاتی را به یک دیگر پیوند زده تا پروژه‌ای را به نتیجه برساند (والزان، ۱۳۸۹، ص ۱۲).

از جنبه تاریخی، میان‌رشته‌گرایی^۱ در طول قرن بیستم ظاهر شد و به نظر تامپسون کلاین^۲ نقطه عطفی را در طول دهه‌های ۶۰ و ۷۰ تجربه نمود (کوله، ۱۳۸۸ ص ۱۲). این که «آیا میان‌رشته‌گرایی را می‌توان یک انقلاب علمی تعریف کرد یا نه؟» سوال مهمی است که باید

1. Interdisciplinarity
2. Thompson Klein



بدان پاسخ گفت. اگر با ارجاع به تعریف کوهن^۱ پارادایم را مجموعه نظریه‌ها، مفاهیم، ارزش‌ها، و اعتقاداتی بدانیم که پایه و زیربنای یک جامعه علمی را تشکیل می‌دهند، انقلاب علمی‌گذار از یک پارادایم به پارادایمی دیگر است؛ اما معیار پارادایم به سختی با تعریف مطالعات میان‌رشته‌ای سازگاری دارد (کوله، همان، صص ۲۹-۲۸).

طرح مساله

توسعه علوم انسانی نقش راهبردی در توسعه دانش و فن آوری به طور کلی دارد و همین نکته، ضرورت جست‌وجو از عوامل تسهیل‌کننده و موانع بازدارنده رشد و بالندگی این علوم را پذیرفتنی می‌کند. اما چنین جست‌وجویی گسترده‌گی و پیچیدگی زیادی دارد و قابل مطالعه در یک مقاله نیست و باید آن را در چند بحث فرعی مورد مطالعه قرار داد. در این مقاله کار ما پرداختن به حوزه فرعی میان‌رشته‌ها در حوزه اصلی علوم انسانی می‌باشد که این نیز پیچیدگی‌های فراوان دارد و همین پیچیدگی‌هاست که رژ کوله^۲ را به واداشته است که بنویسد: «در قبال مجمع‌الجزایر میان‌رشته‌ای، تعاریف متکثر و متعدد، دیدگاه‌های متخالف و متضاد، تعارض‌ها، تناقض‌ها و تقابل‌های گریزناپذیر چه باید کرد؟» (همان، صص ۴۷).

توسعه میان‌رشته‌ای‌ها از امور چندعاملی است و در تبیین آن عوامل مختلف روش‌شناختی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، تاریخی، پیش‌نیازی، و ساز و کاری را می‌توان مورد توجه قرار داد. بدیهی است که پرداختن به همه این ابعاد نیز در قالب یک مقاله نمی‌گنجد و از این رو، ما در این میان، تنها دو دسته عوامل پیش‌نیازی و ساز و کاری را مورد مطالعه قرار می‌دهیم. اما، مراد از عوامل پیش‌نیازی و ساز و کاری چیست؟ دیدگاه میان‌رشته‌ای تنها یک دیدگاه معطوف به اراده و خواستن نیست. بلکه مهمتر از آن یک تجربه عملی و طولانی است که نیازمند تغییر اساسی در مبانی تفکرات نظری و رویکردی در این زمینه است (رک: وبسایت حسین بشیر). واقعیت تلخ و انکارناپذیر این است که روی آوری کشورهای کمتر توسعه یافته به ایجاد رشته‌های علمی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی‌شان، تقلیدی است و بر خلاف کشورهای بیشتر توسعه یافته که زایشگاه علوم هستند این رشته‌ها بتبع نیازهای واقعی جامعه متولد نمی‌شوند! و به عبارت دیگر، ایجاد رشته‌های علمی متوجه حل مسائل و رفع نیازهای احساس شده نیستند.

1. Kuhn
2. Rege Colet
3. multi factorial





علوم میان‌رشته‌ای نیز همانند سایر علوم بشری حاصل تلاش آدمی برای حل مشکلات خود است و جنبه صرفاً نظری ندارند. پرسش این است که آیا روی آوری کشورهای کمتر توسعه یافته به این علوم، محصول احساس نیاز واقعی آن‌ها است یا محصول عمل اثر تقلید می‌باشد. دلایل جالب، مختلف و فراوانی وجود دارند که محدوده‌هایی که اصطلاحات مرزهای رشته‌ای خوانده می‌شوند، فرو ریخته اند (کلاین، ۱۳۹۱ ص ۱۸؛ پیشگفتار به قلم کارول گیری اشنایدر). تلقی دانش به مثابه یک نهاد^۱ و یا یک ساختار خطی^۲، جای خود را به اصطلاحاتی چون شبکه^۳ و تارهای مشبک در هم تنیده^۴ داده است (همان، ص ۲۵). به گفته کلاین، میان‌رشته‌ای گرایی را می‌توان ابزاری برای حل مشکلات و پاسخگویی به سوالاتی دانست که در صورت به کارگیری روش‌ها یا رویکردهای واحد امکان بررسی و اهتمام به آن‌ها به گونه‌ای رضایت بخش وجود ندارد (موهان، ۱۳۸۹، ص ۱۲). به گفته آکرم^۵ میان‌رشته‌گی بر روی تلفیق موضوعات، دانش، روش و تجاربی استوار است که ویژگی‌های صحت و اعتبار علمی در درون رشته‌ها، برای رشته‌ها و فراسوی رشته‌ها را داشته باشند و نیز ویژگی‌ها، خصلت‌ها و مهارت‌های فردی و اجتماعی دانشجویان را رشد دهند (خورسندی طاسکوه، ۱۳۸۸، صص ۳۴-۳۳).

ضرورت‌ها و الزامات

میان‌رشته‌گرایی و کاربست آن در عرصه تدریس دانشگاهی موضوعی مهم و پیچیده است. مهم است از این رو که جامعه علمی به گونه‌ای فزاینده خواستار بهره‌گیری از معلومات برآمده از تلفیق و ترکیب رشته‌های مختلف علمی است و پیچیده از این رو که تحقق این مهم نیازمند ایجاد زمینه‌هایی است که بتوان بر شالوده آن‌ها ترکیبات و تلفیقات مین رشته را به ساماندهی و ساختاردهی نمود.

با استناد به نیسانی^۶ و گاس^۷ کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی مدت‌ها از میان‌رشته‌گرایی ساختاری، به دلایل زیر حمایت کرده اند (دهشیری، ۱۳۸۸):

دانش میان‌رشته‌ای غالباً خلاقیت را طلب می‌کند؛

ترکیب رشته‌ها زمینه ایجاد قلمروهای جدید علمی را فراهم می‌آورد؛

1. Foundation
2. Linear Structure
3. Network
4. Web
5. Ackerman
6. Nissani
7. Gass

آشنایی با دو یا چند رشته علمی موجب شناخت و واکاوی خطاهای طرفداران رشته‌های علمی می‌شود؛

وجود موضوعات تحقیقی ارزشمند بینابینی، بهره‌گیری از میان‌رشته‌ها را اقتضاء می‌کند؛ رویکرد میان‌رشته‌ای نیاز موجود برای حل بسیاری از مشکلات فکری، اجتماعی و عملی را تأمین می‌نماید؛

دانش و پژوهش میان‌رشته‌ای زمینه تحقق آرمان وحدت شناخت را فراهم می‌کند؛ میان‌رشته‌ای زمینه انعطاف بیشتری را بین پژوهشگران میان‌رشته‌ای به وجود می‌آورد؛ دانش میان‌رشته‌ای زمینه مطلوبی را برای سفر پژوهشگران به سرزمین‌های جدید فکری مشابه ایجاد می‌کند؛

مطالعات میان‌رشته‌ای موجب زدودن شکاف‌های ارتباطی بین رشته‌های تخصصی می‌شود و محققان را در بسیج منابع عظیم فکری در خدمت عقلانیت و عدالت اجتماعی وسیع‌تری می‌رساند؛

مطالعات میان‌رشته‌ای با برقراری پیوند بین رشته‌های پراکنده، محققان میان‌رشته‌ای را دفاع از آزادی نظری (دانشگاهی) یاری می‌رساند.

اریک فروم^۱ از جمله متفکرانی است که در قرن بیستم، با مشاهده بحران جامعه نوین، تحلیل و درک این بحران را مستلزم مطالعه میان‌رشته‌ای یافت (علوی پور و علی نعمت پور، ۱۳۸۸). به اعتقاد برزگر (۱۳۸۷)، مطالعات میان‌رشته‌ای گونه‌ای از علوم است که بعد از آشکار شدن ضعف‌ها و کاستی‌های تخصصی شدن و شعبه‌شعبه شدن علم به رشته‌های تخصصی ریز، ضرورت یافته است. فلسفه پیدایش علوم میان‌رشته‌ای از سویی، در واقعیات عینی و ظهور پدیده‌های منفرد، اما چند وجهی و پدیده‌هایی ریشه‌دار که تبیین همزمانی، مشکل‌شناسی میان‌رشته‌ای، راه‌حل‌شناسی میان‌رشته‌ای، و اقدام همگانی و فرگیر را می‌طلبید و از سوی دیگر، ریشه در مجادلات نظری و نقد روش‌شناسی تجزیه و ترکیب و علوم اثباتی (پوزیتیویستی) دارد. او می‌گوید که مطالعه سیر علوم و دانش بشری نشان می‌دهد که این معرفت در آغاز، دارای وحدت بوده و در عصر جدید تمدت غربی، تجزیه شده و کثرت پیدا کرده است؛ اما با ملاحظه پیامدهای منفی کثرت‌گرایی و شعبه‌شعبه شدن، تلاش می‌شود تا مجدداً وحدت گذشته احیاء شود. شکاف معرفتی بین آنچه از آن آگاهیم و آنچه بدان نیاز داریم، چه بسا منجر به شکست‌های هولناک سازمانی می‌شود؛ در این جاست که باید با بهره‌گیری از مدیریت دانش در جهت



1. Erich Fromm



پرکردن این شکاف برآییم و این در بسیاری از مواقع نیازمند ورود به میان‌رشته‌ها می‌باشد (توضیح بیشتر در این رابطه را باید در کتب و مقالات مدیریت دانش از جمله کتاب مباحث کلیدی در مدیریت دانش جدید ترجمه جعفر نژاد و سفیری؛ فصل یازدهم، جستجو کرد).

به هر حال، عوامل متعددی در اهمیت و ضرورت انجام تحقیقات میان‌رشته‌ای دخالت دارند. با بهره‌گیری از دیدگاه فولاد چنگی و سامانی (پیشین) برخی از این عوامل به شرح زیر هستند: پیچیدگی انسان و نیز محیط اجتماعی و طبیعی همراه با تعدد روش‌های مطالعه و بررسی واقعیت‌های انسانی یا فیزیکی یکی از مهم‌ترین عوامل توجه به تحقیقات میان‌رشته‌ای است. از سوی دیگر، رشد و پیشرفت علوم و در نتیجه تخصصی شدن آن سبب شده است که دانش مرزدار یا علوم متعارف نتوانند به‌خوبی بر واقعیت منطبق شوند و نمایانگر آن باشند.

۲- رشد بیش از حد و روزافزون مرزها در علوم پیامدهایی به دنبال داشته‌است که این پیامدها توجیهی برای نیاز محیط‌های علمی به برنامه‌های میان‌رشته‌ای محسوب می‌شوند.

رواج نوعی جمود (دگماتیسم) و سختی در اثر تخصصی شدن علوم، رواج جزئی‌نگری، غیرواقع‌نگری و یکسویه‌نگری ناشی از جداسازی علم، حاکمیت روش‌ها و مبادی انتزاعی و تجریدی فارغ یا حتی مغایر با واقعیت، حاکمیت بی‌اطلاعی و بی‌ارتباطی رشته‌ها با یکدیگر و نبود تعامل مثبت میان آن‌ها، عدم اطلاع از جامعیت و سازگاری درونی علم و نادیده انگاشتن دیدگاه کل‌گرایانه، افزایش کارآمدی علوم در دستیابی به اهداف چندوجهی، و عدم وجود شرایط انتقال علوم کسب شده به موقعیت‌ها و نظام‌های مختلف را می‌توان برخی از این پیامدها دانست. کلین و نیوئل معتقدند برای رواج تحقیقات میان‌رشته‌ای در سال‌های اخیر می‌توان دو دلیل کاربردی و شناختی ذکر کرد. یکی از مهم‌ترین دلایل ضرورت تحقیقات میان‌رشته‌ای این است که مسائل جهان واقع خیلی پیچیده‌اند و نمی‌توانیم تنها با یک رشته‌ی علمی واحد به حل آن‌ها پردازیم؛ برای نمونه، بررسی مسأله‌ی آلودگی هوا در اثر سوزاندن زباله‌ها مستلزم آن است که از چندین رشته مختلف استفاده کنیم. شیمی به ما کمک می‌کند تا تأثیر آلوده‌کننده‌ها بر جو زمین را بسنجیم؛ زیست‌شناسی تأثیر این عمل را بر نظام طبیعی مشخص می‌کند؛ اقتصاد در سنجش سود و زیان‌های رویکردهای مختلف به کار می‌آید؛ و جامعه‌شناسی نیز به فهم پاسخ‌ها و واکنش‌های مردم به این کار می‌انجامد. با استفاده از یک تحلیل میان‌رشته‌ای می‌توان دانش‌های حاصل از رشته‌های مختلف را با یکدیگر ترکیب کرد و به حل بهتری از مسأله آلودگی هوا رسید. از نظر شناختی هم برای نمونه، برداشت و یگانه‌سازی ابزارها و بینش‌های رشته‌های تاریخ، هنر و



ادبیات محقق را قادر می‌سازد تا تصویر کامل‌تری از یک رویداد یا شخصیت تاریخی ترسیم کند. با توضیحاتی که داده ایم این نکته قابل درک است که موضوع مطالعات میان‌رشته‌ای، پدیده‌های چند بعدی است، ابعادی که مطالعه آنها از ظرفیت محدود یک رشته خاص علمی بیرون است. در این موضوع شناسی، نکته ظریف این است که پدیده‌های جهان هستی عموماً چند بعدی هستند و با پذیرش این نکته می‌توان ادعا کرد که در جهان دانش پیش روی ما، میان‌رشته‌ها تمام فضا را از آن خود خواهند کرد! البته این به معنای نابودی رشته‌های علمی نیست بلکه رشته‌ها، اجزائی خواهند شد که در ترکیب ضروری آن‌ها در چهره میان‌رشته‌ها به بار می‌نشینند و این باردهی دیگر همچون دوران رشته‌گرایی تک بعدی و ناقص نخواهد بود. به دیگر سخن، شناخت جامع پدیده‌های چند بعدی جهان هستی، نیازمند گذر منطقی از رشته‌گرایی به میان‌رشته‌گرایی می‌باشد. در میان‌رشته‌گرایی، اصل بر شناخت و بررسی همه متغیرهایی است که در شکل‌گیری یک پدیده دخالت داشته‌اند (یا خواهند داشت). مطالعات میان‌رشته‌ای، تخصص را نه نفی که نقد می‌کنند و آنچه میان‌رشته‌گرایان در پی آنند این است که تخصص‌ها را در ترکیبات مختلف تکمیلی به کار گیرند و از توان هم‌افزایی ناشی از این کار برای شناخت و بررسی جامع و چند بعدی پدیده‌ها بهره‌گیرند. در واقع، با میدان‌داری میان‌رشته‌ها عصر مثله کردن واقعیت‌ها و پنداشتن جزئی از واقعیت به جای کل آن (جزئی‌نگری)، که ویژگی دوران رشته‌گرایی است به پایان می‌رسد (برای توضیح بیشتر، رک: برزگر، پیشین).

مطالعه سیر تطور علوم بشری حکایت از آن دارد که این علوم در آغاز راه وحدت و یگانگی داشته‌اند و در گذر زمان به کثرت رو کرده‌اند. البته این تحول را نمی‌توان غلط و مضر دانست و چیزی که نادرست بوده است، نوعی افراط در جداسازی و دیوارکشی میان علوم بشری است. اینک فرآیندی معکوس را در سیمای میان‌رشته‌گرایی شاهدیم که گذار از کثرت به وحدتی جدید را به نمایش می‌گذارد و البته این وحدت وحدتی در کثرت است. می‌توان گفت که اگر چند بعدی بودن پدیده‌ها علت پایه نیاز به میان‌رشته‌گرایی باشد، علوم انسانی بیش از علوم طبیعی به این حوزه جدید نیازمندند، زیرا پدیده‌های موضوع بررسی علوم انسانی نوعاً دارای ابعاد بیشتر و پیچیدگی بیشترند. به عنوان مثال، پدیده فقر اگر چه در نگاه اول پدیده‌ای اقتصادی به نظر می‌رسد ولی ابعاد چندگانه‌ای دارد که از حوزه علوم انسانی هم فراتر است. از این رو، یک اقتصاددان اگر فقط اقتصاد بداند، اقتصاددان توانایی نخواهد بود. در این رابطه، کینز معتقد است که اقتصاددان شایسته باید تا حدودی ریاضی دان، تاریخ دان،

سیاست مدار، و فیلسوف باشد و به طور کلی، هیچ بخشی از طبیعت انسان یا نهادهای انسانی نباید خارج از چارچوب ملاحظات او قرار گیرد. (برای توضیح بیشتر، رک: برزگر، پیشین).

موانع توسعه میان‌رشته‌ها

اینک با شناختی که از میان‌رشته‌گی به دست آورده‌ایم می‌توانیم این قضاوت را داشته باشیم که میان‌رشته‌گرایی نه صرفاً یک تمایل نظری و دانشگاهی که یک ضرورت عملی و کاربردی است و علوم انسانی که با موجود پیچیده و چند بعدی انسان سر و کار دارند، به نحو ملموس تر و وسیع تری به این امر نیازمند می‌باشند. از این رو باید به موانع راه توسعه میان‌رشته‌گی اندیشید و برای مدیریت این موانع که لزوماً به معنا و نیازمند از میان بردن موانع مورد اشاره هم نیستند، چاره‌جویی نمود. برخی از مهم‌ترین موانع در مسیر توسعه میان‌رشته‌گی عبارتند از (فولاد چنگی و سامانی، پیشین):

۱. **تعصب رشته‌ای:** اگرچه صاحب‌نظران رشته‌های علمی و به‌ویژه علوم انسانی مدعی بی‌طرفی علمی هستند، در عمل، ارزش‌های محقق در تمام مراحل تحقیقی اعم از انتخاب سوال، رویکردهای نظری به موضوع، انتخاب متغیرها و سبک تحقیق دخالت دارد؛ به این دلیل، محققان میان‌رشته‌ای به راحتی نمی‌توانند ارزش‌های خود را نادیده بگیرند و به دوراز تعصب به محققان سایر رشته‌ها ببینند.

۲. **تنوع قالب‌ها و نظریه‌ها:** صاحب‌نظران رشته‌های مختلف در مطالعه یک پدیده واحد از نظریه‌ها و قالب‌های مختلفی استفاده می‌کنند. در مورد پدیده‌های پیچیده‌ی علوم انسانی به راحتی نمی‌توان برتری یک تبیین را بر سایر تبیین‌ها تعیین کرد.

۳. **تفاوت‌های معرفت‌شناختی:** تفاوت‌های معرفت‌شناختی سبب تفاوت در روش‌های خاص تحقیقی و سایر مفروضات اساسی می‌شود. هرکدام از رشته‌های علمی دارای روش‌های تحقیق خاص خود هستند که این امر تعارض‌ها یابد فهمی‌هایی را به دنبال دارد.

۴. **زبان:** هر رشته علمی دارای زبان و اصطلاحات خاص خود است. انجام مطالعات میان‌رشته‌ای مستلزم آن است که این اصطلاحات و زبان تخصصی رشته‌های مختلف با یکدیگر انطباق یابند. ارائه نتایج این دسته از تحقیقات نیز مشکل است، زیرا برای بیان یافته‌ها باید از واژه‌های فنی یک رشته خاص استفاده شود که معمولاً مخاطبان سایر رشته‌ها از آن بی‌اطلاع هستند.

۵. **موانع سازمانی:** سازمان‌ها اغلب به صورت رشته‌ای سازماندهی شده‌اند و طرفدار تخصص‌گرایی هستند.



۶. **موانع شناختی:** کسب مهارت و تخصص در یک یا دو رشته آسان نیست، در حالی که، دانش عمیق از رشته‌های مختلف لازمه انجام مطالعات میان‌رشته‌ای است. خورسندی طاسکوه (۱۳۸۸)، مهم‌ترین موانع و چالش‌های میان‌رشته‌ای را ذیل سه عنوان کلی موانع سازمانی، موانع حرفه‌ای، و موانع فرهنگی اجتماعی دسته‌بندی نموده است. ایشان در حوزه موانع سازمانی، موانع مدیریتی، اداری، استقلال علمی، هزینه بری و زمان بری، در حوزه موانع حرفه‌ای، موانع فقدان تجربه حرفه‌ای، خود برتر بینی روشی، ارزیابی غیر علمی، نشر غیر حرفه‌ای، بازار کار و اشتغال، و در حوزه موانع فرهنگی - اجتماعی، موانع تسلط فرهنگ رشته‌ای، باورهای نظری دانشگاهی درون حوزه‌ای، پایداری انتظارات رشته‌ای، و مشارکت‌گریزی را قرار داده‌اند.

چالش‌های پیش روی میان‌رشته‌نگی در حوزه علوم انسانی

علاوه بر موانع پیش گفته می‌توان گفت، میان‌رشته‌نگی در حوزه علوم انسانی موانع خاص خود را نیز دارد. یکی از این موانع تمایل پایین بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در این حوزه است. شواهد حاکی از آنند که دولت نیز گرایش زیادی به سرمایه‌گذاری در این حوزه غیر از موارد خاص ندارد و به دلیل این که دست‌آوردهای علوم انسانی جنبه نظری و مفهومی بیشتری در مقایسه با علوم دیگر دارند، قدرت دفاعی کنشگران این حوزه در جذب منابع مالی تحقیقاتی هم پایین است. مانع دیگر در سختی شکل‌گیری اجتماعات علمی و حصول توافق و مفاهیم میان دانشمندان و پژوهشگران در حوزه علوم انسانی رخ نموده است (خورسندی طاسکوه، پیشین). این نکته اساسی در جامعه ما در رابطه با پیشرفت جوامع غربی (گرچه گاه گفته می‌شود ولی) در عمل فراموش می‌شود که زیربنای تحول این جوامع تحول در حوزه علوم انسانی به معنای عام آن که در برگیرنده علوم اجتماعی نیز می‌شود، بوده است. با رخداد بزرگ انقلاب اسلامی انتظار می‌رفت که توجه به این علوم به نحو چشمگیری افزایش یابد ولی در عمل چنین اتفاقی را شاهد نبوده‌ایم و حتی بذره‌های دانش انسانی ویژه‌ای که می‌توانست متکی بر اسلام کاشته شود و به ثمر نشیند، یا کاشته نشد یا ثمر چندانی نیآورد! این در حالی است که تلفیق علوم اسلامی پایه با زمینه‌های علوم انسانی نوین و آرایش و پیرایش مناسب و منطقی در این فرآیند می‌تواند بسترساز گستره وسیعی از میان‌رشته‌هایی شود که انقلاب نوزایی (رنسانس) مناسب تحول جامعه با رویکرد اسلامی را ایجاد نماید. البته، بافت غیر کامل ترکیب عنصری





نیروی انسانی اندیشه‌گر حوزه‌های علوم اسلامی و علوم انسانی بر شدت مشکل بسیار افزوده است. به دیگر سخن، دانش آموختگانی که بر هر دو حوزه تسلط مناسبی داشته باشند، با وجود گذشت بیش از سه دهه از انقلاب، پر اندکند!

مشکل دیگر در رابطه با توسعه میان‌رشتگی در حوزه علوم انسانی، تنوع زیادی است که می‌تواند در این رابطه وجود داشته باشد. واقعیت این است که مرزهای علوم انسانی به دقت مرزهای علوم طبیعی شفاف نیستند و مناطق همپوشان در این دسته از علوم گسترده است و همین امر زمینه شکل‌گیری میان‌رشته‌های متعددی را به وجود آورده است که می‌تواند در عمل به ایجاد آشفته‌گی در تعریف و ایجاد میان‌رشته‌ها بیانجامد. در همین رابطه، امکان گسترده ایجاد میان‌رشته‌های دو حوزه‌ای (از راه تلفیق حوزه علوم انسانی با حوزه علوم طبیعی)، بر مشکل مورد بحث افزوده است.

مشکل دیگر که لااقل در تعداد زیادی از زیر بخش‌های حوزه علوم انسانی قابل طرح است، کمبود زیادی توان اندیشه‌گری اجتهادی است. گرچه دانش آموختگان بسیاری در همه حوزه‌های علوم انسانی وجود دارند ولی متأسفانه، دانشمند به معنای دقیق آن که به خود اجازه اجتهاد علمی بدهد بسیار نادر است! دانش آموختگان حوزه علوم انسانی، گرچه دارای عنوان دکتری هم باشند و یا در کسوت استادی دانشگاه، معمولاً توانی فراتر از انتقال دانش انسانی متعارف دنیا را به نمایش نمی‌گذارند. با وجود این به نظر می‌رسد، توان بالقوه اجتهاد در بسیاری از دانش آموختگان حوزه علوم انسانی وجود دارد ولی به دلایلی که مهم‌ترین آن‌ها، خودباختگی در مقابل علوم انسانی متعارف است، توان بالقوه آن‌ها کمتر بالفعل می‌شود و این امر بر ایجاد میان‌رشته‌ها که نیازمند روحیه چاش جویی و پویایی طلبی علمی است، تاثیر گذاشته است.

جمع‌بندی

در این مقاله تلاش شده تا بر اساس مطالعات نظری و با توجه به تجربه‌های موجود، پاره‌ای از پیش‌نیازها و موانع تحقق علوم انسانی، میان‌رشته‌ای به بحث گذاشته شود. البته که دامنه چنین مواردی می‌تواند گسترده‌تر باشد، با این حال توجه به همین موارد از سوی محققان و سیاست‌گزاران می‌تواند راه پیش رو را، هموارتر کند. در پایان توجه به مسائل فرهنگی نیز حائز اهمیت است؛ با عنوان مثال در جامعه ما مشاهده تاریخی نشان می‌دهد که به علوم

انسانی بی‌توجهی نمایان صورت گرفته است؛ از همان آغاز دوره دبیرستان دانش‌آموزان ضعیف‌تر به حوزه علوم انسانی تحویل شده‌اند و این امر در ورود به دانشگاه هم کاملاً مشهود است! این خطای فاحش تاریخی عملاً حوزه علوم انسانی جامعه ما را بسیار ضعیف نگه داشته است و طبیعی است که ضعف بنیادین می‌تواند بر شکل‌گیری میان‌رشته در این حوزه تأثیر بسیار داشته باشد.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۲

دوره چهارم
شماره ۲
بهار ۱۳۹۱



منابع

- آراسته، حمید، (۱۳۸۸) میان‌رشته‌ای‌ها در آموزش عالی؛ فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در آموزش عالی؛ سال اول؛ شماره ۲.
- افتخاری، علی، (۱۳۸۸)، علوم بین‌رشته‌ای در آموزش عالی، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در آموزش عالی؛ سال اول؛ شماره ۲.
- آنتونیو، والزان (۱۳۸۹)، میان‌رشته‌ای و موقعیت‌های یادگیری، ترجمه: توحیده ملباشی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی چاپ اول.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۷) تاریخچه، چستی و فلسفه‌پیدایی علوم میان‌رشته‌ای، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در آموزش عالی؛ سال اول؛ شماره ۱.
- برگرون، برایان، (۱۳۸۷)، ترجمه: منوچهر انصاری؛ اصول مدیریت دانش؛ موسسه کتاب مهربان نشر؛ چاپ دوم. پورعزت، علی اصغر و آریین قلی پور (۱۳۸۸) توسعه رویکرد مسئله محوری در مطالعات میان‌رشته‌ای؛ فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در آموزش عالی؛ سال اول؛ شماره ۳.
- جاودانی، حمید و جعفر توفیقی (۱۳۸۸)، ساختارها، فرآیندها و عوامل موثر بر توسعه میان‌رشته‌ای‌ها، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در آموزش عالی؛ دوره دوم؛ شماره ۱.
- خنجرخانی، ذبیح‌الله، (۱۳۸۸)، درآمدی بر ضرورت، جایگاه و انواع مطالعات میان‌رشته‌ای در آموزش عالی، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در آموزش عالی؛ دوره دوم؛ شماره ۱.
- خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۸۷)، گفتمان میان‌رشته‌ای دانش، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی چاپ اول؛ پاییز.
- خورسندی طاسکوه، علی، (۱۳۸۸) میان‌رشته‌گی و مسائل آن در آموزش عالی؛ فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در آموزش عالی؛ سال اول؛ شماره ۲.
- دهشیری، محمد رضا (۱۳۸۸) رویکرد سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به مطالعات میان‌رشته‌ای، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در آموزش عالی؛ دوره دوم؛ شماره ۱.
- رحمتی، محمد حسین، (۱۳۸۸) نوع‌شناسی مطالعات مدیریت اسلامی به عنوان یک دانش میان‌رشته‌ای؛ فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در آموزش عالی؛ دوره اول؛ شماره ۴.
- زاهدی، کیوان (۱۳۸۸)، بررسی فراگشت آموزش و پژوهش میان‌رشته‌ای: نیاز دیروز، رویکرد امروز، زیرساخت فردا، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در آموزش عالی؛ دوره اول؛ شماره ۴.
- ضرغامی، سعید، (۱۳۸۷) ماهیت دانش و ضرورت مطالعات بین‌رشته‌ای با تاکید بر اندیشه‌های پست مدرن دریدا، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در آموزش عالی؛ سال اول؛ شماره ۱.
- علوی پور، سید محسن و علی نعمت‌پور (۱۳۸۸)، مطالعه میان‌رشته‌ای بحران جامعه مدرن، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در آموزش عالی؛ سال اول؛ شماره ۳.



فایرستون، ژوزف و مارک مک. ال روی، (۱۳۸۹) ترجمه: احمد جعفرنژاد و خدیجه سفیری؛ موسسه کتاب مهربان نشر؛ چاپ دوم.

فولادچنگی، محبوبه و سیامک سامانی (۱۳۸۷)، نقش مطالعات میان‌رشته‌ای در اعتلای علوم انسانی، به نقل از: <http://www.ensany.ir/fa/content/۹۰۴۸۱/default.aspx>

کلاین، جولی تامسون (۱۳۹۱)، ترجمه: هدایت الله اعتمادی زاده (دریگوندی) و نعمت الله موسی پور؛ فرهنگ میان‌رشته‌ای در آموزش عالی: نظریه و عمل؛ پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی چاپ اول. کوله، رژه و نیکول (۱۳۸۸) آموزش دانشگاهی و مطالعات میان‌رشته‌ای، ترجمه محمد رضا دهشیری، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی چاپ اول.

محمدی روزبهرانی، کیانوش، (۱۳۸۸)، پرورش تفکر میان‌رشته‌ای، پیش‌نیاز میان‌رشته‌ای در آموزش عالی با تاکید بر یادگیری مسئله محور، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در آموزش عالی، سال اول؛ شماره ۲. مهر محمدی، محمود، (۱۳۸۸) ملاحظیات اساسی در باب سیاست‌گذاری توسعه علوم میان‌رشته‌ای در آموزش عالی از منظر فرآیند تکوین؛ فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در آموزش عالی؛ سال اول؛ شماره ۳. موهان، چاندررا و بالاساب رامانیام (۱۳۸۹)، یادگیری و تدریس میان‌رشته‌ای در آموزش عالی: نظریه و عمل، ترجمه: محمد رضا دهشیری، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی چاپ اول.

میرزامحمدی، محمد حسن و علی صحبت‌لو (۱۳۸۸)، بررسی مبانی فلسفی برنامه‌های درسی میان‌رشته‌ای در آموزش عالی «دیدگاه اشکال دانش» در نزد فیلسوفان تحلیلی، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در آموزش عالی؛ سال اول؛ شماره ۲.

میرعابدینی، احمد، (۱۳۸۸) نقش ارتباطات در تحول و توسعه علوم میان‌رشته‌ای؛ فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در آموزش عالی؛ دوره اول؛ شماره ۴.

واقعیت‌های مطالعات و تحقیقات میان‌رشته‌ای در سایه تحلیل دفاعیه یک پایان‌نامه؛ به نقل از:

<http://www.hbashir.blogspot.com/>

Ausburg, Tanya(2006). *Becoming Interdisciplinary: An Introduction to Interdisciplinary Studies*. 2nd edition. New York: Kendall/Hunt Publishing.

Klein, Julie Thompson(1990). *Interdisciplinarity: History, Theory, and Practice*. Detroit: Wayne State University.

Gunn, Giles(1992). "Interdisciplinary Studies." Gibaldi, J. , ed. *Introduction to Scholarship in Modern Language and Literatures*. New York: Modern Language Association.

Khorsandi Taskoh, Ali (2011). *Interdisciplinary Higher Education; Criticism, Challenges and Obstacles*. Available at <http://ir.lib.uwo.ca/cgi/viewcontent.cgi?article=1014&context=researchday> (18 July 2011).

Davies. M. and Devlin, M. (2007). *Interdisciplinary Higher Education: Implications for Teaching and Learning*. Centre for the Study of Higher Education, The University of Melbourne. <http://www.cshe.unimelb.edu.au/pdfs/InterdisciplinaryHEd.pdf>



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۴

دوره چهارم
شماره ۲
بهار ۱۳۹۱



Davis, James R. (1995), *Interdisciplinary Courses and Team Teaching: New Agreement for Learning*, Phoenix, AZ: Orix Press (now an imprint of Greenwood Press)

Frodeman, R. and Mitcham, C. "New Directions in Interdisciplinarity: Broad, Deep, and Critical," *Bulletin of Science, Technology, and Society*, Vol. 27 (Fall 2007) no. 6; pp. 506-514

Frodeman, R. , Klein, J. T. , and Mitcham, C. (2010) *Oxford Handbook of Interdisciplinarity*. Oxford University Press,

Klein, Julie Thompson (1996), *Crossing Boundaries: Knowledge, Disciplinarity, and Interdisciplinarity*, University of Virginia Press.

Klein, Julie Thompson (2002), *Crossing Interdisciplinarity Education in K-12 and College: A Foundation for K-16 Dialogue*, New York: The College Board.

Repko, Allen F. (2005) *Interdisciplinary Practice: A Student Guide to Research and Writing*, preliminary edition, Boston: Pearson Custom Publishing.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی